

تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد صالح حسین‌زاده^۱؛ بهرام بیات^۲؛ مهرداد نوابخش^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۰۳

چکیده

نخبگان از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف داشته و دارند. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی تا حدود زیادی به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم به میزان تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز موثر است. بدین منظور تحقیق حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده است. چارچوب نظری مورد توجه این تحقیق، دیدگاه‌های امنیتی مکتب کپنهاک و به‌طور خاص باری بوزان در خصوص امنیت ملی (توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و زیست‌محیطی) می‌باشد. روش مورد استفاده در این تحقیق تلفیقی از روش کمی و کیفی متوالی می‌باشد که روش کمی در خدمت روش کیفی جهت غنا بخشیدن به تحقیق می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که بین وضعیت موجود عملکرد نخبگان با انتظارات جامعه از آنها (وضعیت مطلوب) تفاوت معنی‌داری در حوزه‌های مورد اشاره وجود دارد؛ به عبارتی دیگر کارکرد نخبگان در جامعه مورد رضایت نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نخبه، نخبه‌گرایی، نخبگان سیاسی، نخبگان قدرت، امنیت، امنیت ملی.

۱- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول (رایانامه: bahram.bayat@gmail.com)

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

مقدمه

نخبگان (به‌ویژه نخبگان سیاسی) از دیرباز تا کنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف (به‌ویژه مسئله امنیت) داشته و دارند. از سوی دیگر آنچه در سعادت جامعه نقش اساسی دارد شایستگی و جامع‌الشرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه است. بر همین اساس انتخاب کارگزاران و مدیران اصلاح (نخبگان) سزاوار توجه و بررسی فراوان است و باید معیارهایی برای سنجش افراد و انتخاب آن‌ها در نظر گرفته شود.

در همین راستا در نظام جمهوری اسلامی ایران که به‌عنوان یک نظام سیاسی مردم‌سالار از نوع دینی مطرح شده است، نخبگان سیاسی از موقعیت برجسته‌ای برخوردار هستند و نقش مهم و بسزایی را در تصمیم‌گیری‌های اساسی در ابعاد مختلف ایفا می‌کنند و بدون شک الگوشدن جمهوری اسلامی ایران برای جهان اسلام و دیگر نظام‌های سیاسی در دنیا تا حدود زیادی در گرو عقلانیت نخبگان سیاسی (قدرت) و توانمندی آنان در عرصه‌های مدیریتی و ... است.

تجربه‌های تاریخی نشان داده است که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی تا حدود زیادی به نقش نخبگان سیاسی (قدرت) وابسته است و اندیشه و تفکر آن‌ها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم به میزان تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز موثر است. در واقع نخبگان سیاسی به خاطر توانایی تاثیرگذاری بر ساختار و عملکرد کل نظام سیاسی، با هیچ‌یک از پاره نظام‌های سیاسی و اجتماعی قابل‌مقایسه نیستند و به همین دلیل است که محور اصلی بحث‌های علمای علوم اجتماعی در چهل سال اخیر را گروه نخبه سیاسی و ساختار عملکرد آن‌ها تشکیل می‌دهد.

در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحول بزرگ و شگرفی به وقوع پیوست که به واسطه ماهیت اسلامی بودن، نظامی بر اساس تعالیم و آموزه‌های الهی در آن شکل گرفت و این امر کل ساختار اجتماعی و سیاسی کشور را تغییر داد و البته نه تنها موجب تحول در ساختار درونی کشور بلکه تغییرات زیادی بر کشورهای دیگر جهان گذاشت. اما آنچه در این میان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و هست روی کارآمدن و نقش مهم نخبگانی است که بتوانند این نظام شکل‌گرفته را بر اساس اهدافش به جلو ببرند.

تأمین امنیت ملی از اولویت‌های نظام اسلامی در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود، از جمله شاخص‌های تأمین امنیت ملی، می‌توان به استقلال سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و رفاه اقتصادی اشاره کرد. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای

دولت ملی را از طریق بکارگیری توان سیاسی، ارتش و ... حفظ نماید. امنیت ملی در صدد رسیدن به درجات قابل اتکایی از امنیت در سطوح ملی و بین‌المللی است از این منظر کشوری از امنیت پایدار برخوردار است که نه فقط در کوتاه‌مدت، بلکه در فرآیند زمانی بلندمدت، توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه داخلی را داشته و در عرصه خارجی نیز از جایگاهی مناسب برخوردار بوده و با کوچکترین تنش، بنیان‌های آن به لرزه نیافتد. سطح تحلیل امنیت ملی نه فقط فرد و دولت، بلکه نظمی برآمده از تعامل افراد و گروه‌هاست. در امنیت ملی سخن از بقاء و بالندگی هویت فردی، گروهی و حتی ملی است (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۷). این سخن که امنیت امروزه بیش از هر زمان دیگری مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال برانگیز، متباین، غیر توسعه‌یافته و متناقض است، بدون‌شک ریشه در تحرک، سیلان و بی‌نظمی روندهای جهانی دارد. دو چارچوب اساسی برای توصیف امنیت ملی در پروسه جهانی شدن وجود دارد:

- چارچوب درونی که حاکمیت دولت در آن مورد سوال قرار می‌گیرد؛

- چارچوب بیرونی که استقلال دولت‌ها در مقابل وابستگی متقابل جهانی به چالش طلبیده می‌شود. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به دلیل عدم آگاهی و یا ضعف در ایفای نقش و کارکرد موثر نخبگان در تامین امنیت ملی کشور، شاهد آسیب‌ها و تهدیدهای متعددی (مانند جنگ، فتنه و آشوب، تحریم، تهدید و ارباب، ایجاد تفرقه مذهبی، فساد اخلاقی و مالی، تضاد اجتماعی، تفرقه قومی، تبعیض و بی‌عدالتی، ضعف اعتماد اجتماعی، قانون‌گریزی، فروپاشی نهاد خانواده و ...) علیه امنیت ملی کشور بوده‌ایم، در یک نگاه کلی می‌توان آسیب‌ها و تهدیدات امنیت ملی کشور را در قالب ۳ نوع سخت، نیمه‌سخت و نرم بیان کرد؛ لذا اولویت قائل شدن برای هرکدام از این تهدیدات، استراتژی امنیتی متفاوتی در برابر تصمیم‌گیران و نخبگان قرار می‌دهد.

با نگاهی عمیق به تهدیدات مطرح شده به راحتی می‌توان به:

۱- ضعف در ایفای نقش موثر نخبگان کشور به خصوص نخبگان سیاسی در جهت رشد و بالندگی و ایجاد امنیتی پایدار؛

۲- احساس ترس و تهدید (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) در جامعه (در طولانی‌مدت مشکلات عدیده‌ای برای اصل نظام ایجاد خواهد کرد) پی برد.

حال با توجه به اینکه نخبگان سیاسی (قدرت) در جامعه نقش اساسی دارند و در صورت واقف شدن به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های خود، می‌توانند نقطه قوت جامعه در مقابل تهدیدات مورد اشاره

باشند؛ لذا شناخت و بررسی نقش آنان می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی باشد.

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و اهداف فرعی آن نیز عبارت است از:

- شناسایی ابعاد، نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در امنیت ملی؛

- اولویت‌بندی نقش و کارکردهای اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در امنیت ملی؛

- تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت)؛

- تعیین میزان اهمیت نقش‌ها و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت).

سؤال اصلی تحقیق حاضر نیز عبارت است از:

نقش‌های اجتماعی نخبگان قدرت در راستای ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟

سوالات فرعی نیز عبارتند از:

- نخبگان سیاسی دارای چه کارکردهای اجتماعی در راستای تاثیرگذاری بر امنیت ملی (وضع موجود و مطلوب) هستند؟

- میزان و سطح اثرگذاری و اهمیت کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی بر امنیت ملی کشور چیست؟

- بیشترین و کمترین میزان تاثیرگذاری (اهمیت) کارکردهای اجتماعی نخبگان سیاسی بر امنیت ملی کدامند؟

- بیشترین و کمترین شکاف ایجاد شده بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط به کدام کارکردها هستند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع امنیت ملی و نقش بی‌بدیل نخبگان در آن، اهمیت و ضرورت این تحقیق در موارد زیر قابل بیان است:

۱- در حوزه نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان در امنیت ملی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است و این ایفای نقش تاکنون از منظر تحقیقات عمیق مورد عنایت جدی قرار نگرفته است؛ لذا از این منظر انجام این تحقیق ضرورت پیدا می‌کند تا بتواند با توجه به تحقیقات اندک در این حوزه بخشی از این خلاء را پر نماید.

۲- اهمیت امنیت ملی که ارزش‌های اساسی و منافع حیاتی یک ملت را به‌عنوان مرجع خود قرار داده است ایجاب می‌نماید که در فرآیند تولید، حفاظت و پاسداری از آن نقش گروه‌ها و اقشار مختلف

مخصوصاً نخبگان مورد واکاوی قرار گیرد؛ چرا که ارتقای سطح امنیت ملی در گرو مشارکت موثر هر یک از گروه‌ها و اقشار جامعه و تحلیل نقش هر یک از آن‌ها می‌باشد، از این‌رو یک جنبه از اهمیت و ضرورت این تحقیق در راستای این امر قابل بیان است.

۳- نخبگان به‌عنوان عصاره هر دوره و محصول گفتمان‌ها و میدان‌های علمی و تشکلهای تخصصی به‌ویژه ساختارهای سیاسی مسئولیتی انکارناپذیر نسبت به تحولات و مسائل جامعه خود دارند و از این‌رو تحلیل فرآیند ایفای نقش و تحلیل اثر نخبگان بر امنیت ملی یکی دیگر از مبانی اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق محسوب می‌شود.

۴- از دیگر دلایل اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نخبگان و تاثیر آن‌ها بر امنیت ملی این است که بررسی چنین موضوعی می‌تواند سبب ارتقاء کارآمدی نظام بر خواسته از مردم سالاری دینی و افزایش بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود شود.

۵- تحلیل جامعه‌شناختی نقشی که نخبگان می‌توانند در افزایش اقتدار همه‌جانبه کشور و کاهش آسیب‌پذیری کشور در حوزه امنیتی و حکومت‌داری داشته باشند، می‌تواند از دیگر جنبه‌های اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نخبگان باشد.

۶- با توجه به اینکه کارکرد اجتماعی و تاثیر مثبت نخبگان بر فضای جامعه می‌تواند باعث ایجاد و افزایش رضایت‌مندی و مشارکت مردم در سرنوشت کشور و بالطبع آن افزایش امنیت ملی شود، لذا پرداختن به چنین موضوعی می‌تواند از دیگر علل اهمیت پژوهش در این حوزه باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

نخبه سیاسی (قدرت)

نخبگان سیاسی کسانی هستند که مناصب برجسته سیاسی را در اختیار دارند و عملاً قدرت سیاسی را اعمال می‌کنند (باتامور، ۱۳۶۹: ۵-۳). به عبارت دیگر، نخبگان سیاسی همان صاحبان قدرت و دارندگان مناصب عالی در یک نظام سیاسی هستند که بیشترین نقش را در پویای تحولات جامعه ایفا می‌کنند.

امنیت ملی

در فرهنگ روابط بین‌الملل در خصوص امنیت ملی چنین آمده است: امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارائی یا خاک خود به سر می‌برد.

در ادبیات روابط بین‌الملل، امنیت غالباً به معنی احساس آزادی در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی

کشور آمده است (بهزادی، ۱۳۳۸: ۱۰). ریچارد کوپر، امنیت را به معنی توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌هایش می‌داند و برای امنیت دو جنبه قائل است: شرایط عینی و برداشت‌های ذهنی. شرایط عینی عبارتند از عوامل فیزیکی و وضعیتی که کمترین بایستگی‌ها را برای تامین امنیت کشور معین می‌کنند. برداشت‌های ذهنی نیز پدیده‌هایی هستند روانی که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی، وجود داشته باشند. در همین راستا آرنولد ولفرز معتقد است: امنیت نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد. آلتستایر بوچمن نیز معتقد است: امنیت واژه‌ای است که معانی بسیاری دارد و باری بوزان می‌گوید: امنیت ملی را نمی‌توان به‌طور کلی تعریف کرد، بلکه تنها در مواردی مشخص می‌توان آن را تعریف نمود. او در جای دیگری می‌گوید: امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم، ولی از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است؛ زیرا راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴).

رابرت ماندل نیز معتقد است: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی و ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی می‌باشد تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به‌عمل آورند (مارندل، ۱۳۷۷: ۵۲).

از تعاریف فوق چنین برمی‌آید که اندیشمندان این رشته، علی‌رغم این‌که بر تعریف واحدی از مفهوم امنیت توافق نداشته و هریک برای تعریف آن از واژه‌ها و عبارات گوناگونی استفاده نموده‌اند، اما می‌توان گفت عوامل ثابتی در تمام این تعریف‌ها تکرار شده است که عبارتند از: ارزش‌های حیاتی، منافع، تهدید و ابهام.

امنیت ملی

در چند دهه گذشته سه مکتب عمده در مغرب زمین که در برگیرنده بیشتر نظریه‌پردازان و تئوری‌پردازان امنیت ملی بوده‌اند بیش از دیگر مکاتب به تولید آموزه‌های امنیت ملی و تبیین شرایط بین‌المللی از دیدگاه امنیت ملی پرداخته‌اند:

- نخستین مکتب را بیشتر جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی آمریکایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه آمریکایی از پایان استراتژی انزوا در آن کشور پدید آوردند.
- مکتب دوم، مکتب انگلیسی است که پیروان آن بنابر سنت جامعه‌شناسان انگلیسی، بیشتر به ابعاد تاریخی امنیت توجه کرده و به تبیین نظریات در زمینه امنیت ملی پرداخته‌اند. در مکتب انگلیسی توجه توأمان به حقوق و قدرت در روابط بین‌الملل است.

- مکتب سوم که با توجه به خواستگاه بنیانگذاران آن به مکتب کپنهاک شهرت یافته، تهدید را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی (جهانی) مورد بررسی قرار داده و ماهیتی ترکیبی برای تهدیدات قائل شده است. این مکتب با پیوستن افرادی چون باری بوزان، اولی و یور و چپ دیوایل به آن از پویندگی برخوردار شده است (سادات امینی، ۱۳۹۰: ۲۷).

علاوه بر مغرب زمین در مکتب امنیتی اسلام نیز با توجه به بنیان‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود به تبیین امنیت پرداخته شده است.

در حوزه موضوع نقش نخبگان در امنیت ملی از میان نظریه‌های غربی مکتب کپنهاک و نظریه امنیتی اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

الف) مکتب کپنهاک

این مکتب یکی از مکاتب برجسته در شاخه مکاتب انتقادی امنیت است. مکتب کپنهاک توانسته افرادی با گرایش‌های مختلف را زیر یک چتر جای دهد. برای مثال باری بوزان با گرایش نئورئالیستی و ویور با گرایش سازه‌گرایی از نظریه‌پردازان اصلی این مکتب‌اند. امنیتی شدن، بخش‌های امنیتی و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از مفاهیم اصلی این مکتب به‌شمار می‌روند. رهیافت این مکتب به مقوله امنیت، با نگرش حل و فصل معضل است و به موضوعات امنیتی به‌مثابه معضلاتی که قابلیت حل و فصل دارند، نگاه می‌شود. از مفروضات این مکتب این است که امنیت مربوط به بقاست و زمانی که چیزی به تهدیدی وجودی تبدیل شود، به موضوعی امنیتی تغییر می‌کند. امنیت اقدامی خودارجاع‌دهنده است و فقط کافی است موضوعی با عنوان امنیتی شناسایی شود. ماهیت تهدیدهای امنیتی به‌گونه‌ای است که با توسل به روش‌ها و شیوه‌های متعارف در سیاست نمی‌توان بر معضلات امنیتی غلبه کرد و نیاز به ابزارهای دیگری است (قیصری، ۱۳۹۳: ۳۹).

از منظر اندیشمندان مکتب کپنهاک اصولاً امنیت مفهومی عقب‌مانده، توسعه‌نیافته، پیچیده و معماگونه است و دلیل آن هم موارد ذیل می‌باشد:

- پیچیدگی موضوع. بوزان معتقد است امنیت از برخی دیگر مفاهیم حل اقتصاد و ... کمتر پیچیده است.

- حل‌شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه. سلطه تفکر خام رئالیسم در محیط قطبی شده جنگ سرد را عامل تجدید مفهوم امنیت می‌داند.

- واکنش علیه رئالیسم ملی. معتقدات منتقدان رئالیسم افراطی خصوصاً لیبرالیسم آرمان‌گرا به‌جای تمرکز بر روی مفهوم امنیت به مفهوم صلح روی آورده‌اند.

- ماهیت مطالعات استراتژیک. مطالعات استراتژیک بر مطالعات نظامی و دفاعی تمرکز داشته و باعث شده که با وجود استفاده بسیار زیاد از مفهوم امنیت هنوز زیرالگوی واقع‌گرایی کشمکش قدرت بر آن مسلط می‌باشد.

- استفاده ابزاری از امنیت. دولت‌ها در استفاده ابزاری از امنیت منافع بسیاری در این چارچوب داشته‌اند (مرادیان، ۱۳۹۱: ۶۳).

معنا و مفهوم امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاک

- امنیت مورد نظر این مکتب امنیت ملی است تا امنیت فردی و بین‌المللی؛

- امنیت، سخن گفتن از موضوعی است که دارای اهمیت بنیادین مانند بقاء حاکمیت و تمامیت ارضی است؛

- امنیت برای یک دولت عبارتست از اعمال سیاست موفقیت‌آمیز و استفاده از امکانات جهت مقابله با تهدیدات؛

- امنیت دارای مکتب سلبی و ایجابی است؛

- ناامنی و امنیت هر دو در رابطه با حجم و کیفیت تهدیدات و امکانات مقابله تعریف می‌شود (سادات امینی، ۱۳۹۰: ۳۸).

مرزبندی مکتب کپنهاک و مطالعات سنتی در باب امنیت

هرچند مبانی نظری مکتب کپنهاک بر اساس رئالیسم ساختارگرا و نورئالیسم بنیان نهاده شده اما این مکتب در برخی موضوعات با مطالعات سنتی امنیت دارای مرزبندی است که برخی از مهم‌ترین موارد آن به شرح ذیل می‌باشد:

- دستور کار امنیتی مکتب کپنهاک بر اساس امنیت موسع و چندبُعدی است؛

- تعریف مکتب کپنهاک از تهدید بر اساس ساختار اجتماعی تهدید و اهداف مرجع می‌باشد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳ به نقل از سادات امینی، ۱۳۹۰: ۴۱).

ابعاد امنیت ملی از نگاه مکتب کپنهاک

- امنیت نظامی: از نظر اندیشمندان مکتب کپنهاک موضوع اصلی مطرح در امنیت نظامی، دولت‌ها هستند. به عبارت دیگر دولت تنها بازیگر مشروع در امنیت نظامی است، چراکه پس از نظام و ستفالیاً تمام بازیگران دیگر هم‌چون قبایل و ... مشروعیت خود را به دولت واگذار کرده‌اند (سادات امینی، ۱۳۹۰: ۴۶).

- امنیت سیاسی: امنیت سیاسی بُعدی از امنیت است که بیش از هر بُعد دیگر به ابعاد سه‌گانه دولت ارتباط دارد. به نظر اصحاب مکتب مورد اشاره، امنیت سیاسی درباره ثبات سازمان یافته نظم اجتماعی است و عمدتاً به دو جنبه مشخص تقسیم می‌شود: تهدیدات غیرنظامی همسان نسبت به واحدهای سیاسی از جانب دولت‌های دیگر و امنیت سیاسی به معنی دفاع از موضوعات سیستمی مانند جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی بنا به نظر باری بوزان امنیت سیاسی گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین بخش امنیت است.

- امنیت اجتماعی: در ارتباط با مفهوم امنیت اجتماعی در بین علمای مکتب کپنهاک اختلاف نظر وجود دارد. برخی از آن‌ها امنیت اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی مورد توجه قرار داده و آن را در کنار ابعاد دیگر امنیت همچون ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و ... قلمداد می‌کنند؛ اما برخی دیگر این بعد امنیت را هم‌سنگ با امنیت ملی فرض می‌کنند (همان).

- امنیت زیست‌محیطی: مکتب کپنهاک و علی‌الخصوص باری بوزان دیدی متفاوت نسبت به امنیت زیست‌محیطی دارند. به نظر وی امنیت زیست‌محیطی ناظر به تهدیدات مطرح برای طبیعت نیست بلکه وی از دید تمدن بشری به این موضوع نگاه می‌کند. در واقع از نظر وی هر عامل و اتفاقی که در محیط‌زیست انسان رخ می‌دهد، چه ناشی از فعالیت‌های انسانی باشد همانند انتشار گازهای گلخانه‌ای و چه از اراده انسان خارج باشد همانند زمین‌لرزه، آتش‌فشان و ... در صورتی که باعث عقب‌گرد بشر از تمدن و دستاوردهای کسب شده‌اش باشد به‌عنوان تهدیدی علیه زیست‌محیط مورد توجه قرار گیرد (سادات امینی، ۱۳۹۰: ۴۷).

- امنیت اقتصادی: از سال ۱۹۴۵ میلادی ایده امنیت اقتصادی جایگاه برتری در دستور کار سیاسی داشته است. این مفهوم در خلال جنگ سرد در کشاکش اوج‌گیری موازنه قدرت ابتدا در بلوک غرب مطرح شد. باری بوزان در کتاب "مردم، دولت‌ها و هراس" معتقد است که هیچ چیز را نمی‌توان بدون از دست‌دادن چیزی هم‌سنگ آن به‌دست آورد. او معتقد است، اینکه عنوان می‌شود امنیت اقتصادی ارزش مطلق است و کاربرد وسیعی دارد چیزی بیش از یک توهم نیست (همان: ۴۸).

باری بوزان از میان نظام‌های موجود، نظام سرمایه‌داری را بهترین نظام در جهت رفع ابهام از امنیت اقتصادی می‌داند، زیرا این نظام ادعای ایجاد امنیت مطلق را ندارد و امنیت نسبی آن دارای برخی مزایا است.

ب) مکتب امنیتی اسلام

توجه به اینکه «صلح و امنیت» از جمله ویژگی‌های ممتاز مکتب اسلام در مقام تعریف و عملیاتی کردن کانون‌های بنیادینی است که می‌تواند در تضعیف صلح و امنیت واقعی، مؤثر واقع شوند، درحالی‌که رویکردهای واقع‌گرا زوال منابع قدرت را به‌مثابه کانون‌های مرکزی تولید ناامنی مدنظر دارند یا رویکردهای آرمان‌گرا بر ضعف انگیزه‌های همکاری و نبود منافع مشترک تأکید می‌کنند؛ مکتب اسلام به‌غریزه برتری‌طلبی اشاره دارد که باعث برهم خوردن نظم و امنیت بین‌المللی می‌شود. اسلام به‌طورکلی با اصل برتری‌طلبی در صحنه روابط اجتماعی و به تبع آن در روابط بین‌الملل مخالف است و از آنجایی‌که برتری‌طلبی به ایجاد و استقرار ظلم در نظام بین‌الملل منجر می‌شود به دنبال این موضوع بنیادی است که روابط بین‌الملل باید به‌گونه‌ای ساماندهی شود تا در آن، امکان تعریف و کاربرد ظلم به حداقل ممکن برسد؛ خلاصه کلام آنکه ظلم نکردن، مقابله با ظالم و حمایت از مظلوم اصل اولیه از جمله ویژگی‌های ممتاز مکتب اسلام در مقام تعریف و عملیاتی کردن صلح و امنیت توجه به کانون‌های بنیادین است که می‌تواند در تضعیف صلح و امنیت واقعی، مؤثر واقع شوند. اسلام در حرکت جهانی خود برای فرهنگ‌سازی اهمیت زیادی قائل است. اسلام تلاش می‌کند تا وحدت اندیشه و نظر را در میان همه انسان‌ها پدید آورد و عوامل واگرایی مانند طائفه‌گرایی، نژادپرستی و تبعیض‌طلبی را نفی می‌کند و این اندیشه بنیادین را گسترش می‌دهد که همه انسان‌ها برابر و برادرنند و کسی را بر کسی برتری و امتیاز نیست و معیارهای برابری و یگانگی انسان‌ها را آموزش می‌دهد (سیمبر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۲).

می‌توان از این بحث‌ها به این نتیجه رسید که کلید واژه اصلی در رویکرد امنیتی اسلام در راستای شکل‌گیری صلح و امنیت بین‌المللی، "عدالت" است.

اسلام به‌عنوان مکتبی جامع که از ظرفیت مدیریت مناسبات بین‌المللی در عصر حاضر نیز بهره‌مند است، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را مساوات حکمی شکل می‌دهد. منظور از مساوات حکمی جریان‌یافتن قواعد بین‌المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۱). این اصل بر الگوی عدالت بین‌المللی مکتب اسلام دلالت دارد؛ از طرف دیگر، اسلام با دیدگاهی واقع‌گرا به نظام بین‌الملل توانسته، تفسیری درست از ماهیت روابط بین‌الملل ارائه دهد. برنامه‌های اسلام در خصوص مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل به نسبت دو رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم از ظرفیت اجرایی بیشتری بهره‌مند است.

علاوه بر موارد بالا در ارزیابی رویکرد امنیتی اسلام، می‌توان استدلال کرد که اسلام با دیدگاهی واقع‌بینانه نسبت به ذات بشر و در نتیجه، ماهیت روابط بین‌الملل و همچنین لایه‌های امنیتی زندگی بشری توانسته تا تفسیری متفاوت‌تر از مفهوم، حوزه‌ها و سازوکارهای دستیابی به امنیت نسبت به دهد و رویکرد امنیتی دیگر ارائه دهد که با واقعات زندگی بشری بیشتر تناسب دارد.

پیشینه تحقیق

آشتیانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت‌عنوان وضعیت نخبگان در دهه ۱۳۸۰ می‌گوید افراد نخبه ما تا یک حد خاصی رشد می‌کنند و بعد رشد آن‌ها متوقف می‌گردد. از همه بدتر اینکه الان در جامعه ما مقیاس به‌طور کلی، دانستن، نخبه و دانشمند بودن نیست بلکه ثروتمند و یا قدرتمند بودن است. در جامعه ما در حال حاضر میزان نفوذ نخبگان کم است.

زیباکلام و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت‌عنوان نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۲) بیان می‌دارند که نخبگان سیاسی در کشورهای اقتدارگرا و نیمه‌اقتدارگرا که ابزارهای اعمال قدرت را اغلب به‌صورتی کامل و متداوم در اختیار دارند، می‌توانند نقش‌محوری در مسیر توسعه یا عدم‌توسعه سیاسی در این دسته از کشورها ایفا نمایند. نتایج این پژوهش نشان داد که نخبگان سیاسی ایران در دوره مذکور از طریق اقداماتی هم‌چون ایجاد قدرت هر می و سلسله‌مراتبی، سوءاستفاده از قدرت و فساد، ممانعت از برگزاری انتخابات آزاد و اعمال تقلب در آن، سرکوب مطبوعات آزاد و مستقل و همچنین سرکوب احزاب و دسته‌جات مستقل نقش بازدارنده در مسیر تحقق توسعه سیاسی در ایران ایفا نمودند.

خوشحال و عابدینی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت‌عنوان جایگاه و خواستگاه نخبگان سیاسی و فکری در ایران میان دو انقلاب (انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی) و نقش حاکمیت در آن به این نتیجه رسیدند که: ۱- اکثر نخبگان حاکم از طبقه فرادست و وابسته به دربار و از افراد مورداعتماد دربار بودند؛ ۲- اکثر نخبگان این دوره از مالکان و کارمندان دولت و روحانیون بودند؛ ۳- اکثر نخبگان ابزاری و تاحدودی فکری منابعشان از مالکیت بر زمین بوده است؛ ۴- اکثر نخبگان فکری و ابزاری در این دوران در جمعیت سیاسی فراماسونری عضو بوده‌اند.

چهارچوب نظری

نظریه‌های نخبگان: اصل اساسی نظریه نخبه‌گرایی این است که تاریخ سیاست، تاریخ سلطه «نخبه» است و در هر جامعه‌ای اقلیتی وجود دارد که تصمیمات عمده را در جامعه می‌گیرد. در مقاله حاضر برای تبیین نقش نخبگان از اندیشه‌های موسکا و پارتو استفاده شده است.

الف) نظریه گائتانو موسکا

گائتانو موسکا در عبارتی گویا این اصل را به روشنی بیان کرده است: «در همه جوامع (از جوامعی که کمتر توسعه یافته و از طلوع تمدن کمتر بهره برده‌اند تا جوامعی که توسعه یافته و قدرتمندند) دو طبقه از مردم حضور دارند: طبقه‌ای که حکومت می‌کنند و طبقه‌ای که بر او حکومت می‌شود. طبقه اول که اغلب در اقلیت است تمام کارویژه‌های سیاست را در اختیار دارد، قدرت را قبضه می‌کند و از تمامی امتیازات قدرت بهره می‌برد، درحالی‌که طبقه دوم که اکثریت است، توسط اولی کنترل و هدایت می‌شود» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۳۶۵).

موسکا عنصری غیر از زور را برای افزایش تأثیر حکومت هر طبقه حاکمه ضروری می‌داند. موسکا این عنصر را «فرمول سیاسی» می‌نامد. در واقع در جوامع سیاسی طبقه حاکم هیچ‌گاه قدرت خود را با صرف تصرف قدرت توجیه نمی‌کند بلکه می‌کوشدند پایه‌ای اخلاقی یا قانونی برای سلطه خود دست و پا کنند. «فرمول سیاسی» لزوماً نمایانگر درستی و حقانیت نیست بلکه ممکن است افسانه‌ای بیش نباشد. موسکا ضمن تأکید بر سازمان‌یافتگی گروه اقلیت، از خصوصیات برتری‌جویانه دیگر نخبگان حاکم از جمله امتیازات مادی، منش روشنفکرانه و قابلیت روانی سخن می‌راند. اصولاً به اعتقاد او گروه نخبه حاکم باید شخصیت‌هایی را دربرگیرد که چنین امتیازاتی داشته باشند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۲۲).

گائتانو موسکا در کتاب بحث‌برانگیز خود با عنوان طبقه حاکم می‌نویسد: در کلیه جوامع، از عقب‌مانده‌ترین آن‌ها تا پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین جوامع دو طبقه وجود دارد، یک طبقه حاکم و یک طبقه محکوم (Mosca, 1989: 50). طبقه حاکم اقلیت سازمان‌یافته‌ای را تشکیل می‌دهد که قدرت حکومت را در انحصار داشته و از تمام امتیازاتی که قدرت به همراه می‌آورد برخوردار است، درحالی‌که طبقه محکوم شامل توده‌های عظیم مردم غیرمتشکل است که تحت رهبری طبقه اول قرار گرفته و از آن تبعیت می‌کنند. این هژمونی‌گه‌گاه قانونی و در بسیاری اوقات با بکارگیری قهر امکان‌پذیر است (آرون، ۱۳۷۰).

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناصر غیردموکراتیک و مستبدانه قدرتمندی در نظرات موسکا وجود دارد، چرا که از نظر او در تمام جوامع، بدون توجه به سنخ و ماهیت نظام حکومتی، طبقه حاکم سیاسی به‌منظور تامین منافع خود عمدتاً از طریق تحمیل مردم و استفاده از زور قابلیت اداره کشور را دارد. می‌توان از نظریه نخبگان موسکا چنین برداشت کرد که همه جوامع بشری، کوچک یا بزرگ، سنتی یا مدرن، صنعتی یا غیرصنعتی از داشتن حکومت ناگزیرند و در هر جامعه بشری به‌طور اجتناب‌ناپذیر یک طبقه کوچک حکومت‌گر و انبوه مردم حکومت‌شونده وجود دارد (همان).

اصطلاح گروه نخبه در نظریات سیاسی با اصل مسلم ضرورت حکومت صالحین پیوند خورده است. منظور موسکا از صالحین یا بهترین‌ها در حیات سیاسی جوامع عبارت است از انسان‌هایی که در موقعیت مناسبی هستند و قادرند که بر هم‌نوعان خود به بهترین نحو حکومت برانند. پذیرش این واقعیت که طبقه‌ای - طبقه حاکم - حکومت می‌راند، خود دلیلی است که این طبقه از عناصر به‌هم‌پیوسته و همگون تشکیل شده‌اند که در زمان و مکان مشخص مناسب‌ترین عناصر برای حکومت‌رانی هستند. البته ضروری نیست که این بهترین‌ها همیشه روشن‌فکرترین و بشردوست‌ترین انسان‌ها باشد. به باور موسکا برای اینکه بتوان حکومت راند، روانشناسی یکایک افراد جامعه و توده‌ها و نیز اتکای به نفس و استقلال رای بسیار مهم‌تر است از توجه و اجرای مقوله‌هایی مانند عدالت، آزادی و مساوات (باتامور، ۱۳۸۱).

نظریه ویلفردو پاره‌تو

پاره‌تو اعتقاد دارد که انسان‌ها ذاتاً نامساوی خلق شده‌اند و از لحاظ جسمی و روحی با یکدیگر کاملاً فرق می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت که پاره‌تو دارای اندیشه‌های قدیمی ایتالیایی و شدیداً متأثر از افرادی چون ماکیاول است. پاره‌تو انسان را اصولاً موجودی بدسرشت می‌داند که عواطف، احساسات و غرایز او را به این سو و آن سو می‌کشاند. در حقیقت همین احساسات و غرایز هستند که زیربنای رفتارهای سیاسی را تعیین می‌کنند و بقیه روبنا هستند (کوزر، ۱۳۸۶ و باتامور، ۱۳۸۱).

در اندیشه پاره‌تو نخبه کسی است که بالاترین جایگاه را در فعالیت‌های اجتماعی و انسانی دارد (Marger, 1981:65). به‌زعم پاره‌تو تمایز نخبه از توده یک فرآیند کاملاً تجربی است و نیاز به استدلال‌های علمی مشخص ندارد. در واقع کارگزاران دارای جایگاه مشخصی در جامعه هستند و ایشان سرآمد جوامع محسوب می‌شوند. با وجود این تعریف نخبه در نگاه پاره‌تو بسیار کلی و مبهم است. وی دو دسته نخبه را از یکدیگر متمایز می‌کند؛ نخبه حاکم که در

حکومت فعالیت دارد و نخبه غیرحاکم. پاره‌تو در کتاب «رساله‌ای در باب جامعه‌شناسی سیاسی عمومی» در بیان مفاهیم اصلی نظریه خود در مورد چگونگی انسجام و همبستگی جوامع انسانی بیان می‌دارد؛ اول، تعادل و ثبات اجتماعی که عبارت‌است از نابرابری‌های موجود در میان انسان‌ها که موجب پیدایش گروه نخبگان می‌گردد؛ دوم منافع که عبارت‌است از انگیزه‌های اقتصادی عمل اجتماعی؛ سوم غرایز یا «ذخایر ثابت» که احساساتی هستند تاثیرگذار بر رفتار اجتماعی و چهارم «مشتقات» که مظاهر شبه‌عقلانی و فریبنده غرایز هستند و معمولاً شکل عقاید فلسفی به خود می‌گیرند (بشیری، ۱۳۷۸: ۶۰).

ویلفردو پاره‌تو در بررسی‌های خود از میان مسائل و موضوعات مختلف، مخصوصاً نسبت به شرایطی که موجب پیدایش نخبگان حاکم می‌شود، علاقه نشان می‌دهد. او می‌نویسد: طبیعتاً باید در بررسی مسائل سیاسی به این امر توجه کافی و وافی مبذول داشت که چگونه گروه‌های مختلف جمعیتی در یکدیگر ادغام می‌شوند. فردی که از یک گروه اجتماعی به گروه دیگری می‌پیوندد، احساسات و تمایلات و الگوهای رفتاری معینی را که در گروه اولیه کسب کرده، با خود به گروه دوم انتقال می‌دهد، این جابجایی گروه‌ها در شرایط خاص و استثنایی را، یعنی در شرایطی که فقط دو گروه نخبه در جامعه وجود داشته باشد، گردش ادواری نخبگان می‌نامند (pareto, 1969: 248).

نظریه ادواری تحول بر این فرض استوار است که آن گروه و دسته از نخبگان که می‌توانند قدرت را به چنگ آورند، دارای وزنه سنگینی از عناصر شیرصفت هستند و شجاعت حمله به مناسبات پوسیده نظم کهن را دارند و میان‌شان نوعی عصبیت و هم‌دلی فوق‌العاده وجود دارد. اما پس از چندی به محض آنکه رقبا را از صحنه خارج کردند، خود از درون به نزاع برخاسته و از آنجا که قدرت همواره میل به تمرکز و تک‌قطبی و انحصاری شدن دارد، دورانی از فجاج و تصفیه حساب‌های خونین میان گروه نخبه تازه به قدرت رسیده شروع می‌شود و سرانجام به حذف موتلفین می‌انجامد، آنگاه رخوت و سستی یا تجمل‌گرایی و روباه‌صفتی که ناشی از نزدیکی مزدوران به قطب پیروز است، بر آن‌ها سایه می‌افکند و شرایط برای تکرار هر چرخش آماده می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۳۷).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع (ماهیت) داده‌ها، تلفیقی (کمی - کیفی) می‌باشد. در این پژوهش تلفیقی، از دو روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و پیمایشی (پرسشنامه) به صورت متوالی و هم‌افزا بهره گرفته شده است. ابتدا با مطالعه اسنادی و تحلیل بخشی از

مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته پرسشنامه‌ای حاوی ۳۶ سؤال استخراج شد. روایی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی (پرسشنامه‌ای با استفاده از نظر متخصصان علوم اجتماعی، علوم سیاسی و امنیت ملی) مورد تأیید قرار گرفت و پایایی گویه‌ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن از طریق تحلیل عاملی اکتشافی - با چرخش واریماکس - گویه‌هایی که همبستگی بیشتر داشتند ادغام و در نهایت پرسشنامه‌ای با ۱۶ گویه تهیه گردید.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل مسئولان، متخصصان، افراد حرفه‌ای و اعضای هیئت‌علمی درگیر فعالیت‌های اجرایی و علمی مربوط به حوزه‌های امنیت ملی مورد بررسی بوده است. نمونه مورد مطالعه شامل ۸۱ نفر از مسئولان و کارشناسان مرتبط با حوزه‌های امنیت ملی (علوم اجتماعی، علوم سیاسی و امنیت ملی) که حاضر به همکاری بودند، به‌صورت هدفمند برای تحقیق حاضر انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر، برای به‌دست آوردن پایایی، پس از انجام Pre-test، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس شدند، حذف گردیدند. جدول ذیل (جدول شماره ۱) نتیجه مربوط به آزمون پایایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آزمون پایایی

سازه	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
نقش اجتماعی نخبگان	۱۶	۰.۹۸۶

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

برای بررسی و استخراج کارکردهای اجتماعی نخبگان سیاسی، در گام اول کارکردهای اجتماعی نخبگان سیاسی مورد مذاقه قرار گرفته شد و تعداد ۳۶ کارکرد انتخاب گردید، پس از آن از طریق آزمون تحلیل عاملی که کاربرد آن؛ الف) مشخص نمودن متغیرهای ابتدایی تشکیل‌دهنده اجزای یک فاکتور؛ ب) ادغام متغیرهای مرتبط با یکدیگر و ایجاد متغیرهای جدید و با تعداد کمتر، به‌طوری‌که متغیرهای حاصله مفهوم جامع‌تر پدیده مورد مطالعه را دربرگیرد (خلاصه‌سازی و ادغام متغیرهای اولیه و ایجاد فاکتورهای ثانویه) می‌باشد، تعداد ۱۶ گویه به‌عنوان سوالات نهایی پرسشنامه انتخاب گردیدند.

جدول ذیل (جدول شماره ۲) میزان اهمیت نقش اجتماعی نخبگان سیاسی را در یک نگاه، مورد توجه قرار می‌دهد:

جدول ۲. میزان اهمیت نقش اجتماعی نخبگان سیاسی

رتبه	گویه	میزان اهمیت (میانگین از ۱۰)	میانگین	انحراف استاندارد
۱	اهتمام و توجه به آسیب‌های اجتماعی	۸.۵۸	۹	۱.۶۳
۲	ترویج وحدت و انسجام اجتماعی	۸.۵۷	۹	۱.۵۱
۳	کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی	۸.۵۶	۹	۱.۵۰
۴	اهتمام به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی در حوزه اجتماعی	۸.۵۳	۹	۱.۶۵
۵	کمک به گفت‌وگو سازی اجتماعی	۸.۵۱	۹	۱.۵۸
۶	اهتمام به جامعه‌پذیری	۸.۵۰	۹	۱.۶۱
۷	اهتمام به افزایش مشارکت اجتماعی	۸.۴۸	۹	۱.۵۹
۸	اهتمام به توسعه سرمایه اجتماعی	۸.۴۶	۹	۱.۷۸
۹	اهتمام به ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۸.۴۵	۹	۱.۵۲
۱۰	مشروعیت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی	۸.۳۸	۹	۱.۵۹
۱۱	اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی	۸.۳۸	۹	۱.۵۳
۱۲	تلاش در جهت حفظ حقوق شهروندان	۸.۳۲	۹	۱.۵۳
۱۳	کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی	۸.۳۲	۹	۱.۶۷
۱۴	اهتمام به توسعه مهارت اجتماعی	۸.۳۲	۹	۱.۶۰
۱۵	کمک به توسعه آگاهی از قوانین اجتماعی	۸.۳۱	۹	۱.۴۷
۱۶	زمینه‌سازی برای توسعه تعاملات اجتماعی	۸.۲۱	۹	۱.۴۶

با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌گردد که سه گویهٔ اهتمام و توجه به آسیب‌های اجتماعی، ترویج وحدت و انسجام اجتماعی و کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی بیشترین میزان اهمیت و پنج‌گویه: زمینه‌سازی برای توسعه تعاملات اجتماعی، کمک به توسعه آگاهی از قوانین اجتماعی و اهتمام به توسعه مهارت اجتماعی، تلاش در جهت حفظ حقوق شهروندی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی (مشترکاً) کمترین میزان اهمیت را برای پاسخ‌گویان دارا می‌باشد.

مقایسه بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی و میزان شکاف هر گویه در وضعیت موجود و مطلوب در جدول ذیل (جدول شماره ۳) ارائه شده است:

جدول ۳. مقایسه بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی

ردیف	گویه	میزان اهمیت وضعیت				شکاف	
		موجود	رتبه	مطلوب	رتبه	میزان شکاف	رتبه
۱	تلاش در جهت حفظ حقوق شهروندان	۷.۴۰	۴	۸.۵۷	۳	-۱.۱۷	۷
۲	اهتمام و توجه به آسیب‌های اجتماعی	۷.۳۷	۵	۸.۵۸	۲	-۱.۲۱	۶
۳	اهتمام به توسعه سرمایه اجتماعی	۷.۳۳	۷	۸.۴۶	۷	-۱.۱۳	۸
۴	کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی	۷.۳۷	۵	۸.۴۱	۹	-۱.۰۴	۱۲
۵	کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی	۷.۲۵	۱۰	۸.۶۲	۱	-۱.۳۷	۲
۶	مشروعیت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی	۷.۱۴	۱۲	۸.۴۵	۸	-۱.۳۱	۳
۷	اهتمام به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی در حوزه اجتماعی	۷.۲۵	۱۰	۸.۵۵	۴	-۱.۳۰	۴
۸	زمینه‌سازی برای توسعه تعاملات اجتماعی	۷.۳۱	۸	۸.۳۹	۱۱	-۱.۰۸	۱۰
۹	اهتمام به افزایش مشارکت اجتماعی	۷.۴۹	۲	۸.۵۱	۵	-۱.۰۲	۱۳
۱۰	کمک به گفتمان‌سازی اجتماعی	۷.۵۱	۱	۸.۵۱	۵	-۱	۱۴
۱۱	اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی	۷.۳۷	۵	۸.۴۶	۷	-۱.۰۹	۱
۱۲	ترویج وحدت و انسجام اجتماعی	۷.۴۲	۳	۸.۴۷	۶	-۱.۰۵	۱۱
۱۳	اهتمام به توسعه مهارت اجتماعی	۷.۱۱	۱۳	۸.۳۲	۱۲	-۱.۲۱	۶
۱۴	کمک به توسعه آگاهی از قوانین اجتماعی	۷.۲۸	۹	۸.۴۰	۱۰	-۱.۱۲	۹
۱۵	اهتمام به جامعه‌پذیری	۷.۳۴	۶	۸.۴۶	۷	-۱.۱۲	۹
۱۶	اهتمام به ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۷.۲۰	۱۱	۸.۴۶	۷	-۱.۲۶	۵
شکاف کل		-۱۹.۲۹					

همان‌طور که در جدول فوق (جدول شماره ۳) ملاحظه می‌گردد، بیشترین شکاف ایجاد شده بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه‌ی اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی، کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی و مشروعیت‌بخشیدن به هنجارهای اجتماعی و کمترین شکاف ایجاد شده بین دو وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه‌ی کمک به گفت‌وگو سازی اجتماعی، اهتمام به افزایش مشارکت اجتماعی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی. برای بررسی میانگین رتبه گویه‌ها در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب از آزمون آماری فریدمن که میانگین رتبه گویه‌ها را با هم مقایسه می‌کند، استفاده گردید که خروجی آن در جدول شماره ۴ ارائه می‌گردد:

جدول ۴. رتبه‌بندی گویه‌ها

گویه	عدد معنی‌داری
کارکرد	۴۵۸
وضعیت موجود	۴۳۷
وضعیت مطلوب	۷۴۸

با توجه به آزمون‌های آماری به‌طور خلاصه می‌توان بیان نمود که:

- ۱- از بین کارکردهای مورد اشاره سه گویه‌ی اهتمام و توجه به آسیب‌های اجتماعی، ترویج وحدت و انسجام اجتماعی و کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی بیشترین میزان اهمیت و پنج گویه‌ی زمینه‌سازی برای توسعه تعاملات اجتماعی، کمک به توسعه آگاهی از قوانین اجتماعی و اهتمام به توسعه مهارت اجتماعی، تلاش در جهت حفظ حقوق شهروندی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی (مشترکاً) کمترین میزان اهمیت را برای پاسخ‌گویان دارا می‌باشد.
- ۲- پس از مشخص شدن میزان اهمیت کارکردها در وضعیت موجود و مطلوب، شکاف حاصله که تفاوت بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب می‌باشد، محاسبه گردید که بیشترین شکاف ایجاد شده بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه‌ی اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی، کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی و مشروعیت‌بخشیدن به هنجارهای اجتماعی و کمترین شکاف ایجاد شده بین دو وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه‌ی کمک به گفت‌وگو سازی اجتماعی، اهتمام به افزایش مشارکت اجتماعی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی.

۳- با استفاده از آزمون t میانگین گویه‌ها در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و در هر سه مورد میانگین گویه‌ها بالاتر از ۷ بود که به معنی تاثیرگذاری گویه‌های مورد نظر بر امنیت ملی می‌باشد.

۴- با استفاده از آزمون t زوجی تفاوت بین وضعیت موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت با توجه به مقدار $\text{sig}=0$ که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب گویه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این تحقیق با هدف تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان قدرت (سیاسی) در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمد و در این تحقیق از آنجائیکه نخبگان سیاسی در حوزه اجتماعی دارای کارکردهایی به‌منظور تاثیرگذاری بر فضای امنیت ملی ج.ا.ا. (در وضعیت موجود و مطلوب) هستند، لذا در این تحقیق کارکرد اجتماعی نخبگان قدرت مورد توجه قرار گرفت که در مجموع تعداد ۱۶ کارکرد به‌عنوان کارکردهای نهایی و تاثیرگذاری بر امنیت ملی کشور مشخص گردیدند. پس از استخراج کارکردهای مورد اشاره پرسشنامه‌ای (با سه محور میزان اهمیت کارکرد، میزان تاثیر کارکرد در وضعیت موجود امنیت ملی و میزان تاثیر کارکرد در وضعیت مطلوب امنیت ملی) تهیه و در اختیار ۸۱ نفر از نخبگان دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی قرار داده شد. نتایج حاصله به قرار زیر می‌باشد:

۱- از بین کارکردهای مورد اشاره سه گویه اهمیت و توجه به آسیب‌های اجتماعی، ترویج وحدت و انسجام اجتماعی و کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی بیشترین میزان اهمیت و پنج گویه زمینه‌سازی برای توسعه تعاملات اجتماعی، کمک به توسعه آگاهی از قوانین اجتماعی و اهتمام به توسعه مهارت اجتماعی، تلاش در جهت حفظ حقوق شهروندی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی (مشترکاً) کمترین میزان اهمیت را برای پاسخ‌گویان دارا می‌باشد.

۲- پس از مشخص شدن میزان اهمیت کارکردها در وضعیت موجود و مطلوب، شکاف حاصله که تفاوت بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب می‌باشد، محاسبه گردید. بیشترین شکاف ایجاد شده بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه اهتمام به توسعه عدالت اجتماعی، کمک به رفع گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی و مشروعیت‌بخشیدن به هنجارهای اجتماعی و کمترین شکاف ایجاد شده بین دو وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به سه گویه

کمک به گفتمان‌سازی اجتماعی، اهتمام به افزایش مشارکت اجتماعی و کمک به توسعه نظم و انضباط اجتماعی.

۳- با استفاده از آزمون t میانگین گویه‌ها در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و در هر سه مورد میانگین گویه‌ها بالاتر از ۷ بود که به معنی تاثیرگذاری گویه‌های مورد نظر بر امنیت ملی می‌باشد.

۴- با استفاده از آزمون t زوجی تفاوت بین وضعیت موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت با توجه به مقدار $\text{sig}=0$ که این مقدار کمتر از ۰.۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب گویه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

پیشنهاد

با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق و به‌منظور ایفای نقش موثر نخبگان سیاسی در امنیت ملی، پیشنهادات راهبردی و کاربردی ذیل ارائه می‌گردند:

- ورود علمی نخبگان به حوزه‌های امنیت ملی؛
- حمایت و استفاده از ظرفیت‌های علمی - پژوهشی نخبگان علمی - اجرایی؛
- دخیل کردن نخبگان در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا؛
- تعریف، تصویب و حمایت از پایان‌نامه‌های حوزه نخبگان و امنیت ملی؛
- کاربری (کاربردی) کردن خروجی پایان‌نامه و رساله‌های مشابه؛
- تلاش در جهت هم‌گرایی نخبگان قدرت با حوزه‌های امنیت ملی؛
- حمایت از انجمن‌های علمی در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی؛
- اهتمام به تعریف و افزایش نقش نخبگان سیاسی در امنیت ملی؛
- آسیب‌شناسی نقش نخبگان در قدرت؛
- رصد و بررسی گلوگاه‌های امنیت ملی متناسب با نیاز روز کشور؛
- بصیرت‌افزایی، آگاهی‌بخشی نخبگان سیاسی نسبت به مقوله‌های امنیت ملی؛
- نداشتن نگاه امنیتی به نخبگان سیاسی؛
- امنیتی نکردن نخبگان قدرت؛
- اعتمادزایی به نخبگان سیاسی؛
- نگاه سیاسی (حزبی) نداشتن به حوزه‌های امنیت ملی؛
- تعریف نقش احزاب سیاسی در امنیت ملی؛

- استفاده از نخبگان شایسته و توانمند در مناصب قدرت (سیاسی)؛
- زدودن زنگار بی تفاوتی اجتماعی از چهره نخبگان سیاسی.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: نشر قومس.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آشتیانی، منوچهر (۱۳۹۰). وضعیت نخبگان در دهه ۱۳۸۰ از دیدگاه شاگرد هایدگر، مجله نوروز به نقل از سایت خبرآنلاین.
- امینی، آرمن (۱۳۸۳). «تاثیرات عضویت روسیه در شورای مشترک ناتو - روسیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- باتامور، تامس برتون (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شب‌تاب.
- باتامور، تی‌بی (۱۳۸۱). نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهزادی، حمید (۱۳۶۸). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: نشر دهخدا.
- خوشحال، امیر؛ عابدینی، صمد (۱۳۸۹). «جایگاه و خواستگاه نخبگان سیاسی و فکری در ایران میان دو انقلاب (انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی) و نقش حاکمیت در آن»، فصلنامه جامعه‌شناختی، شماره ۹، صص ۱۳۵-۱۱۵.
- سادات‌امینی، میرجعفر (۱۳۹۰). «امنیت ملی ایران در سیاست خارجی سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران.
- عبدا... خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- مارندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- زیباکلام، صادق و همکاران (۱۳۹۰). «نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷)»، دانشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۶، صص ۴۳-۵۶.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲.

(ب) منابع انگلیسی

- Pareto, vilferdo. (1969). Allgempine Sociologie . Frankfurt.-
-Mosca, Gaetano. (1989). the ruling class (elementi di scienza politica).
Translation by: Hannah d.kahn. New York and London. Mc graw-hillbook
company, inc.

